

مشکل زباله در شهر اشنویه

حمید از اشنویه

یکشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۸۷

بسیاری از روشنفکران ادعا می کنند که جامعه ایران به طور کلی و جامعه کردستان به طور خاص هنوز صنعتی نشده و مناسبات سرمایه داری به طور کامل در ایران گسترش نیافته است. دلایلشان این است که هنوز دودکشهای در کردستان دیده نمی شود. بنا براین طبقه کارگری هم وجود ندارد و مطالبات کارگری هم موضوعیت ندارد بلکه تعدادی کارگرمزدبگیر فصلی پراکنده وجود دارند! که چون زیر یک سقف کار نمی کنند امکان تشکیل یابی واتحاد آنها فعلا وجود ندارد بنا بر این جامعه کردستان به طور سنتی اداره میشود و باید در حال حاضر کمک کنیم که اول جامعه کردستان به یک جامعه پیشرفته تبدیل شود و سرمایه داران در این منطقه سرمایه گذاری نمایند و صنعت و تکنولوژی را به این منطقه بیاورند و طبقه کارگر در زیر سقف کارخانه متحد و متشکل شوند ان وقت باید از حقوق طبقه کارگر و دست یابی به قدرت سیاسی بحث به میان آورد! و تا آن زمان به بورژوازی ملی کمک کنیم که کردستان را به یک جامعه صنعتی و پیشرفته تبدیل نماید. آنچه بیان کردم بدین منظور بود که در چند روز اخیر واز ۲۷ بهمن بعد از آنکه بین شهرداری اشنویه و مردم روستای گردکاشان بر اثر انتقال زباله و اشغال سطح شهر و محل دفن آن اختلاف پیش آمد و مردم روستای مذکور اجازه ندادند شهرداری زباله را در همان مکان قبلی بریزد بدون اینکه اشغالها را بازیافت و یا در زیر خاک دفن نماید. شهرداری زباله را در محل مورد نظر رها میکند و بوی تعفن آن اهالی روستا و اطراف آن را آزار میدهد و علاوه بر این شبها محل تجمع سگها و گربه ها شده و همچنین باد پلاستیک و اشغالها را در میان کشتزارهای آن نواحی پخش میکند که این وضعیت به طور کلی برای مردم گردکاشان قابل تحمل نیست و بیش از این اجازه نمی دهند شهرداری به این رفتار غیربهداشتی و غیر انسانی ادامه دهد. شهرداری هم هنوز نتوانسته مکان دیگری را پیدا کند و این مشکل باعث شد که شهرداری و یا بهتر بگویم کارگران شهرداری نتوانسته اند که اشغال کوچی ها را بردارند و این وضعیت برای چند روز متوالی ادامه دارد و هر روز بر مقدار نایلون های پر از زباله افزوده می شود بطوری که در هرکوچه صدها کیسه پر از اشغال دیده می شود که به وسیله سگ و گربه پاره شده و اشغال آن درکوچه پخش شده و بوی تعفن عابران را آزار میدهد. این وضعیت غیر عادی و غیر قابل تحمل تا میرفت دامنه دارتر میشد و اعتراض بیشتر مردم را به دنبال داشت تا جایی که از هرکوچه چندین تلفن به شهرداری زده میشود که چرا اشغال کوچی ها را منتقل نمی نمایید اگرچند روزدیگر به همین منوال پیش برود سراسر شهر اشنویه در اشغال غرق می گردد و شهرداری حتی اگر شده اشغال را در حیاط شهرداری نگهداری کند به جمع آوری آنها بپردازد. کارگران زحمتکش شهرداری هرچند روز یک بار در عرض چند ساعت کار منظره شهر را تغییر میدهند و کوچی ها را به مکانی زیبا و قابل تحمل تری تبدیل میکنند هر چند هنوز مشکل به طور کامل حل نشده و شهرداری محل دیگری را برای دفن زباله پیدا نکرده است اما من روی سخنم با کسانی است که همیشه

در این توهم به سر میبرند که گویا باید دودکشها در شهر زیاد شوند تا بتوان برای متشکل کردن کارگران فعالیت نمود اینان نمی توانند تصور نمایند که اکنون زندگی در شهر و حتی روستا های ما به یک سیستم پیوسته و پیچیده و یک پارچه تبدیل شده است و پیشرفت یک بخش از جامعه بدون همراهی بخش های دیگر امکان پذیر نیست و امروز گردش چرخ زندگی جامعه انسانی بر دوش طبقه کارگر است و با کار و فعالیت او به حرکت درمیاید. این نشان میدهد که مشکل کوچکی در یک شهر میتواند به یک معضل عظیم اجتماعی تبدیل شود حالا تصور کنید که کارگران اشنویه به همراه چند شهر دیگر تصمیم بگیرند به مدت یک ماه اعتصاب نمایند در آن صورت شکل جامعه چگونه خواهد بود. حالا این کارگران را به سایر بخش های کارگری جامعه مانند کارگران نانوایی ها و بیمارستانها و کارگاههای کوچک و کوره پز خانه ها تعمیم بدهید و معلمان حق التدریس رانیز به این بخش ها اضافه کنید. در آن صورت به قدرت و توانایی کارگران متحد پی خواهیم برد.

حمید از اشنویه

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

۱۳۸۷/۱۲/۱۱

www.komitteyehamahangi.com

komite.hamahangi@gmail.com